

چالش‌هایی که رئیس‌جمهور امریکا آنها را سپری کرده و بحران‌هایی که پیش رو دارد

بمب‌های پیش‌روی ترامپ تا سوم نوامبر



■ سیدنعمت‌الله عبدالرحیم‌زاده

به جرئت می‌توان گفت که دونالد ترامپ در تاریخ امریکا تنها رئیس‌جمهوری است که دوران ریاست‌جمهوری خود را زیر سایه بحران، اختلافات سیاسی و حتی استیضاح گذراند. شروع کار او همزمان با تحقیق افبی‌آی در مورد مداخله روسیه در انتخابات ریاست‌جمهوری ۲۰۱۶ بود و بعد نوبت به مسئله مهاجران غیرقانونی و اخراج آنها از امریکا پیش آمد که باعث شد حشد حتی همسر او ملانیا ترامپ هم به نوعی مخالفتش را با او بیان کند. رسوایی مکالمه ترامپ با رئیس‌جمهور اوکراین، ولادیمیر زلنسکی، مشکل دیگری بود که به او کراین‌گیت، Ukrainegate، مشهور شد و کار ترامپ را تا مرز استیضاح کشاند و تنها اکثریت هم‌حزبی‌های جمهوری خواه او در مجلس سنا بودند که باعث نجاشش شدند. این گرفتاری‌ها جدای از چالش‌هایی است که ترامپ در عرصه سیاست خارجی به وجود آورده است. با این حال، سال جاری میلادی برای ترامپ بسیار سخت‌تر از سه سال قبل گذشته و جدای از بحران ویروس کرونا، اعتراضات و جنبش مردمی یک‌ماه گذشته و کتاب جان بولتون کابوس‌هایی است که ترامپ در این مدت با آنها روبه‌رو شده و حالا سؤال این است که آیا او می‌تواند در این کمتر از پنج‌ماه از شش‌این کابوس‌ها رهایی یابد تا نتیجه انتخابات ریاست‌جمهوری نوامبر را به نفع خودش کند یا نه؟

اتاق اتفاقات

عنوان کتاب بولتون این است: «اتاقی که در آن اتفاقات، خطرات کاخ سفید، The Room Where It Happened»، ناگفته پیداست که بولتون اشاره به دفتر بیضی شکل در کاخ سفید می‌کند که به‌عنوان اتاق کار رسمی رئیس‌جمهور از آن استفاده می‌شود و بولتون با این اشاره استعاره‌ای قصد دارد، بگوید که کتاب او حاوی نکاتی است که مستقیماً منعکس‌کننده گفتار و کردار رئیس‌جمهور امریکا، دونالد ترامپ است. افشای اطلاعات داخل کاخ سفید در دوره ترامپ چیز تازه‌ای نیست، چنان که مکالمه او با زلنسکی هم توسط یکی از مأموران اطلاعاتی به مقامات افغانی گزارش شد که وظیفه‌اش کنترل تماس‌های کاخ سفید است. در واقع، یکی از دلایل اخراج کارمندان کاخ سفید و در رأس آنها جان فرانسیس، به همین خاطر بود؛ چرا که درز اطلاعات، جوی از بی‌اعتمادی را برای ترامپ به وجود آورده است، اما شاید او هیچ‌گاه انتظار نداشت که حجم عظیمی از حرف‌ها و اعمال او در یک کتاب جمع شده و به دست مردم امریکا برسد. درخواست کمک از شی‌جین

نگاه

واکنش تند ترامپ به اعتراضات

به سرعت تأثیر خود را در نظرسنجی‌ها نشان داد، چنان که بنا بر نظرسنجی شبکه خبری سی‌ان‌ان، ترامپ ۱۴ درصد از رقبیت دموکرات خود جو بایدن عقب است و حتی با اینکه نظرسنجی شبکه دست راستی فاکس نیوز هم ۲ درصد از این فاصله را بهبود داده، اما باز معترف به ۱۲درصد پیش‌تازی را بدین است

پینگ، رئیس‌جمهور چین برای پیروزی در انتخابات نوامبر، موافقت با برپایی اردوگاه‌های اسکان اجباری یغورها توسط چین، مداخله در تحقیقات جنایی و نمایش برای مداخله نظامی در ونزوئلا از جمله مواردی است که نه‌تنها بر خلاف سیاست‌های اعلامی امریکا هستند، بلکه آشکارا نشان می‌دهند ترامپ تا چه حد در غیرقابل اعتمادی است. نکته جالب اینجاست که کتاب تا قبل از انتشار در صدر پرفروش‌ترین کتاب‌ها در وب‌سایت آمازون قرار گرفت و دولت ترامپ هم عجولانه دست به کار شد تا با طرح شکایت، مانع از انتشار آن

شود. با این حال، اتفاقات در اتاق بیضی شکل دیگر اتفاقاتی نیستند که رأی‌دهندگان امریکا از آن بی‌خبر باشند و حالا به لطف بولتون، تک‌تک این اتفاقات در پیش چشم آنها قرار گرفته است.

امریکا در اعتراضی

انتظار می‌رفت ترامپ در واکنش به کتاب بولتون به محفل خود در صفحه شخصی توئیترش بنه برد و از آنجا او را مورد حمله قرار بدهد و با عبارات تند مثل «دستان‌های ساختگی»، «بولتون دیوانه»، «مرد نفرت‌انگیز» و «بگ بیمار» پاسخ او را بدهد. با این حال، کتاب بولتون با موج وسیعی از اعتراضات مردمی همراه شده که یکی از نادرترین موارد اعتراضات به لحاظ گستردگی و مدت زمان آن در تاریخ امریکاست. شروع این اعتراضات به صورتی صلح‌آمیز، در واکنش به مرگ جرج فلوید در شهر مینیاپولیس از ایالت مینه‌سوتا بود و می‌توانست مثل اعتراضات سه سال قبل باشد که در نیویورک انجام شد. آن اعتراضات در پاسخ به حکم تبرئه پلیسی توسط دادگاه بود که جوان سیاه‌پوستی به نام فیلاتدو کاستیلر را کشته بود و نقطه آغازی برای جنبشی تحت عنوان «زندگی سیاهان اهمیت دارد، Black Lives Matter شد. نکته جالب توجه اینجاست که اعتراضات فعلی از دو جهت شبیه به اعتراضات سه سال قبل است: اول اینکه با همان عنوان زندگی سیاهان اهمیت دارد به راه افتاده و دوم اینکه نقطه عطف این اعتراضات همانند سه سال قبل در ماه ژوئن

است. با این حال، اعتراضات فعلی یک اختلاف اساسی نه‌تنها با اعتراضات سه سال قبل، بلکه دیگر اعتراضات در سال‌های قبل از آن دارد و مشابه آن را باید در اعتراضات سال‌هایی دور و شاید دهه ۶۰ و زایش جنبش حقوق مدنی سیاهپوستان جست. وجه دیگر تفاوت در عکس‌العمل مقامات و به خصوص ترامپ به این اعتراضات بود که مشابه این را هم باید در آن سال‌ها جست و رؤسای جمهوری امریکا در سال‌های اخیر یاد گرفته بودند که در مقابل اعتراضات نژادی با مدارا رفتار کنند. ترامپ برخلاف آنها مثل رؤسای جمهور دهه ۵۰ و ۶۰ عمل کرد و در پاسخ به اعتراضات خیابانی و جنبشی زندگی سیاهان اهمیت دارد، نیروهای گارد ملی را به خیابان‌ها فرستاد. شدت عمل ترامپ به حدی بود که حتی فرماندهان سابق و فعلی او هم حاضر به تحمل آن نشدند و زبان فلوید در شهر مینیاپولیس شاید این نوع رفتار ترامپ را به احتمالاً تعداد زیادی از مشارکت‌کنندگان مطلوب و مقبول همان قشر سفیدپوستی باشد که هنوز تحت‌تأثیر توهमत نژادپرستانه هستند و بدنه اصلی حامیان او را تشکیل می‌دهند، اما باید توجه داشت که واکنش خشن ترامپ نه تنها سیاهپوستان، بلکه قشر قابل‌توجهی از سفیدپوستانی را به خیابان‌ها کشاند که دیگر از تبعیض سازمان‌یافته نژادی در کشور خود خسته شده‌اند.

خبرهای بدتر

واکنش تند ترامپ به اعتراضات به سرعت تأثیر خود را در نظرسنجی‌ها نشان داد، چنان که بنا بر نظرسنجی شبکه خبری سی‌ان‌ان، ترامپ

ایران حضور در ونزوئلا را رویه می‌کند

بوسه مرگ ابرقدرتی از عین‌الاسد تا کارائیب



نسبت به دیگر کشورها در دستور قرار گرفته که نمونه ارسال تانکرهای حامل سوخت و ادوات مورد نیاز صنایع نفتی ونزوئلا از این دسته است. ششم، از سال گذشته تاکنون دو اقدام بازردارنده نظامی و اقتصادی – سیاسی از سوی کشورمان علیه فعالیت‌های ضدایرانی امریکا صورت پذیرفته است، در بعد نظامی مقابله به مثل قاطع به عین‌الاسد و در بعد اقتصادی – سیاسی اعزام تانکرهای نفتی و اکنون کمک‌های نردوستانه به ونزوئلا که هر دو باعث سردرگمی و آشفتگی در دستگاه تصمیم‌سازی ایالات متحده علیه جمهوری اسلامی ایران شده است. نباید از یاد برد که ایران پیش از این با مقابله به مثل علیه اقدام دولت انگلیس در جبل الطارق به صورت عملی به ایالات متحده و هم‌پیمانانش این اظهار را داد که هر گونه دست‌اندازی در حرکت تانکرهای نفتی و هر کشتنی دیگری به سمت ونزوئلا یا سایر نقاط دیگر، پیامدهای جبران‌ناپذیری برای آن کشور به دنبال خواهد داشت. مقفم، جلوگیری از فروپاشی و از میان رفتن مشروعیت

۱۴ درصد از رقیب دموکرات خود جو بایدن عقب است و حتی با اینکه نظرسنجی شبکه دست راستی فاکس‌نیوز هم ۲ درصد از این فاصله را بهبود داده، اما باز معترف به ۱۲ درصد پیش‌تازی را بدین است. افشای مکالمه ترامپ با رئیس‌جمهور اوکراین، ولادیمیر زلنسکی، مشکل دیگری بود که به او کراین‌گیت، Ukrainegate، مشهور شد و کار ترامپ را تا مرز استیضاح کشاند و تنها اکثریت هم‌حزبی‌های جمهوری خواه او در مجلس سنا بودند که باعث نجاشش شدند. این گرفتاری‌ها جدای از چالش‌هایی است که ترامپ در عرصه سیاست خارجی به وجود آورده است. با این حال، سال جاری میلادی برای ترامپ بسیار سخت‌تر از سه سال قبل گذشته و جدای از بحران ویروس کرونا، اعتراضات و جنبش مردمی یک‌ماه گذشته و کتاب جان بولتون کابوس‌هایی است که ترامپ در این مدت با آنها روبه‌رو شده و حالا سؤال این است که آیا او می‌تواند در این کمتر از پنج‌ماه از شش‌این کابوس‌ها رهایی یابد تا نتیجه انتخابات ریاست‌جمهوری نوامبر را به نفع خودش کند یا نه؟

تحلیل



ناکامی هجמה‌ها؛ افغانستان و ایران در آستانه فاز جدید روابط

شری که برای کابل –تهران سبب خیر شد

■ سیدعباس حسینی

هفته گذشته شاهد سفر یک هیئت بلندپایه دیپلماتیک در عرصه‌ها و حوزه‌های مختلف از افغانستان به تهران بودیم. این سفر در شرایطی که روابط دو کشور پس از دو حادثه شهروندان افغانستان؛ یکی در مرز دو کشور و دیگری در استان یزد، دچار تنش و چالش شده بود، دارای پیام‌های مشخص و واضحی است.

یک ضرب‌المثل قدیمی می‌گوید: «شری بخیزد که خیری در آن نهفته باشد». در حالی‌که واکنش‌های دولت افغانستان به این دو حادثه، تحت‌تأثیر موج‌سواری‌های برخی رسانه‌های معاند با جمهوری اسلامی ایران، تند و تیز بود و می‌رفت روابط دو کشور را تحت‌تأثیر قرار دهد، اما در نهایت، به دنبال واکنش وزارت امور خارجه، احضار سفیر افغانستان و پیام‌های واضحی که فرستاده شد، به اقدامی منجر شد که توسعه بیش از پیش روابط دو کشور را به دنبال خواهد داشت.

تقریباً در طول یک سال گذشته، به دلایل مختلف که یکی از آنها، می‌تواند تنش‌های سیاسی، روند صلح و تشدید دامنه جنگ در افغانستان و اضافه‌بارها در دستگاه دیپلماسی جمهوری اسلامی، به دنبال خروج امریکا از برجام و برگشت تحریم‌های یکجانبه و ظالمانه باشد، مذاکرات افغانستان و ایران برای دستیابی به یک سند همکاری‌های جامع راهبردی، متوقف مانده بود. زمانی که این مذاکرات در خرداد ۱۳۹۶ آغاز شده بود، قرار بود در شش ماه به نتیجه برسد، اما اکنون با گذشت سه سال، هنوز نهایی نشده است. در جریان مذاکرات اخیر دو کشور در تهران، دو طرف تعهد کردند که این سند در طول سه ماه آینده نهایی شده و توسط رؤسای جمهور دو کشور به امضا برسد. از طرف دیگر، دولت افغانستان در یکی دو سال اخیر، بیش از پیش وضعیت پناهندگان و مهاجران افغانستانی به خصوص در ایران را به فراموشی سپرده و بر خلاف تعهدات دو جانبه خود عمل کرده بود. یکی از این تعهدات برزرگ، آغاز روند تثبیت هویت و صدور شناسنامه برای این مهاجران، به خصوص برای مهاجران غیرمجاز سرشماری شده (حدود ۸۰۰ هزار نفر) و همچنین داردن‌نگ گذرنامه‌های طرح خنثاری (بیش از ۴۰۰ هزار نفر) و صدور گذرنامه‌های الکترونیک برای آنها بوده است. علاوه بر این، ورود قاچاق و غیرقانونی شهروندان افغانستان به جمهوری اسلامی ایران ادامه داشته و تهدیداتی برای جلوگیری از این روند صورت نگرفته است، به خصوص اینکه هلا‌وزارت امور خارجه و مرزبانی نیروی انتظامی، از تخلیه بیش از ۵۰ پاسگاه مرزی در داخل خاک افغانستان و در مرز با ایران در سال‌های اخیر خبر می‌دهد. این در حالی است که با تشدید تحریم‌های اقتصادی نظامانه علیه جمهوری اسلامی ایران، این کشور با فشارهای مضاعف پولی و اقتصادی برای خدمت‌رسانی به مهاجران افغانستانی مواجه بوده، اما این فشارها و تحریم‌ها، موجب تغییر سیاست‌ها و رویکردها در قبال این پناهنجوان نشده است.

■ تخم دشمنی که بر کابل اثر گذاشت

حالا یک برگ‌گشت به تعهدات گذشته و عزمی جدید برای رسیدگی به وضعیت مهاجران افغانستانی در دولت این کشور دیده می‌شود؛ به خصوص آنچه از ترکب هیئت دیپلماتیک افغانستان دیده می‌شود، روند تثبیت هویت و صدور «تذکره الکترونیک» (کارت ملی) برای شهروندان این کشور به‌عنوان یک اولویت جدی گرفته شده است. از طرف دیگر، دولت افغانستان تعهد داده در قسمت کنترل مرزها و جلوگیری از تردهای غیرقانونی، تمهیدات لازم را اتخاذ کند. آنچه مشخص است، در قبال رویدادهای اخیر برای شهروندان افغانستان، یک طرف قضیه دولت این کشور بوده و این دولت با افرقای نمی‌تواند از برر تعهدات و تقصیر خود، خنده‌خالی کند و با ماندنن تقصیر به گردن دیگران، خود را تبرئه نماید.

به هر حال، در صورت اجرای تعهدات داده شده، نهایی شدن سند جامع همکاری‌های راهبردی بین دو کشور و عملی شدن آن، انتظار می‌رود روابط افغانستان و ایران وارد یک فاز و صفحه جدید شود که قطعاً به نفع مردمان و دولت‌های دو کشور خواهد بود.

اما قطعاً چالش‌هایی فرا راه توسعه روابط دو کشور و خود خواهد داشت؛ به خصوص بدخواهان و دشمنانی که کم هم نیستند و همواره به دنبال دامن زدن به اختلاف و تفرقه بین دو کشور، پاشیدن تخم دشمنی و ماهی گرفتن از آب گل‌آلود بوده و هستند. پیرامون دو حادثه اخیر برای شهروندان افغانستان، این دشمنان و بدخواهان بیش از هر زمانی، خود را عریان تر و آشکار تر نشان دادند و فضایی به وجود آوردند که حتی دولت افغانستان مجبور شد بر فشار این بدخواهان که حالا بیشتر از اهرم و ابزار رسانه‌ای و جنگ روانی بهره می‌برند، اندکی پیرامون روابط دو کشور و سخن گفتن با جانب مقابل، از زبان و گفتار محترمانه و دیپلماتیک خارج شود. این در حالی است که پیرامون توافق سیاسی اخیر میان دو نامزد پیششار انتخابات ریاست جمهوری در افغانستان و شکستن بیست‌سالی عدم وجود امدد، وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی ایران نقش بسزایی بازی کرده است و از سوی دیگر، به گفته محمد اشراف غنی، رئیس‌جمهور افغانستان، ایران پیرامون روند صلح این کشور، نزدیک‌ترین موضع به دیدگاه دولت افغانستان را داشته، در مذاکرات بدون حضور این دولت شرکت نکرده و بر نقش محوری دولت افغانستان در روند صلح این کشور، تأکید کرده است.

در نگاهی به همه این تحولات، به نظر می‌رسد سیاست خارجی افغانستان به خصوص در قبال همسایگان و به صورت مشخص، جمهوری اسلامی ایران، از دوره ثبات وی‌بی‌طرفی غنبدشینی کرده و لرزان و بی‌ثبات شده است. هر چند سیاست خارجی افغانستان در قبال روابط اقتصادی با جمهوری اسلامی ایران، در دوره محمد اشراف غنی شاهد ثبات و توسعه بوده، اما این سیاست در حوزه سیاسی و امنیتی دست‌خوش تغییر بوده است. بر این اساس، دولت افغانستان در حوزه سیاست خارجی، اصل بی‌طرفی و اجازت‌ندان به کشور سوم (امریکا) برای اقدام علیه کشور دوم (ایران) را که یکی از دستاوردهای بیش از ۱۰۰ ساله حامد کرزی، رئیس‌جمهور پیشین این کشور است را کنار گذاشته و عملاً به عنوان متحد و هم‌پیمان امریکا و ناتو در منطقه عمل می‌کند.

■ پیش شرط مزیت طلایی

نکته قابل تأمل اینکه این تغییرات همزمان با دشمنی آشکار و عریان تر ایالات متحده امریکا با رهبری دونالد ترامپ علیه جمهوری اسلامی ایران است. نشانه‌های مشخص و آشکاری وجود دارد که دولت افغانستان تحت‌فشار ایالات متحده امریکا در برابر جمهوری اسلامی ایران قرار دارد. هر چند به نظر می‌رسد امریکا در همراهی با دولت افغانستان، روابط اقتصادی این کشور با ایران را هدف قرار نداده و به‌عنوان مثال، بندر چابهار از تحریم‌های امریکا استثناء قرار می‌گیرد، اما این دولت در حوزه‌های سیاسی و امنیتی باید به عنوان هم‌پیمان امریکا عمل کند.

اصل بی‌طرفی در سیاست خارجی افغانستان، یکی از نکات برجسته و مثبت سیاست خارجی این کشور در یک قرن گذشته بوده و افغانستان به‌رغم حامل قرار گرفتن بین قدرتهای بزرگ و آسیب‌های جدی که متحمل شده، همواره به دلیل حسن همجواری با همسایگان خود و زندگی مسالمت‌آمیز با آنها، این اصل را تحت هر شرایطی رعایت کرده است. افغانستان می‌تواند به‌عنوان یک هاب (قطب) منطقه‌ای، نقش اقتصادی و ترانزیتی فوق‌العاده‌ای برای اتصال بخش‌های مختلف منطقه، قاره آسیا و جهان ایفا کند و زمینه‌ساز همگرایی کشورها شود، اما استفاده از این مزیت طلایی، نیاز دارد که این کشور رویکرد همگرایی منطقه‌ای خود را حفظ کند و هوشیار باشد که زیر سایه سیاست‌های امنیتی قدرت‌های جهانی به خصوص ایالات متحده امریکا در منطقه نروداصل بی‌طرفی در سیاست خارجی و عدم همراهی با کشورهای متخاصم در منطقه و جهان را رعایت کند. این کلید زندگی مسالمت‌آمیز در منطقه و رفتن به سوی یک افغانستان آرام، باثبات و فرا تر از آن، مرفه خواهد بود. شرایط کنونی در روند صلح افغانستان با طالبان، پس از نزدیک به دو دهه، زمینه خروج نیروهای امریکایی و ناتو از افغانستان را فراهم کرده و دولت افغانستان برای تأمین ثبات در این کشور، با توجه به پیشرفت‌های چشمگیر نیروهای امنیتی خود، باید برای تسریع این خروج، بیش از پیش همکاری و همراهی کند.